

اشاره

دو فصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
دوره ششم، شماره دوازدهم



این روزها در رخدادهایی که زندگی ما را دستخوش اضطراب و نگرانی کرده است اصطلاح حقوق انسانی و خدشه دار شدن آن بسیار شنیده و نوشته می‌شود. تکرار این شعار مرا به یاد کتاب ارزشمند سیمون وی^۱ که حاوی «اعلامیه وظایف بشر» است، انداخت. در این کتاب نکته مهم تقدم مفهوم وظیفه «بر مفهوم حق» است، به عبارتی مفهوم حق به خودی خود اعتباری ندارد و تنها در تناظر با وظیفه مرتبط با آن معنا پیدا می‌کند. حق تابع وظیفه یا رویه دیگری از وظیفه است و تقابل بین آن دو بی‌معناست، این دو مفهوم آنچنان در هم تنیده‌اند که گویی یک روح‌اند در دو بدن. در روزگار ما توجه بیش از حد به یکی و غفلت از دیگری مشکل‌زا گردیده است. حق به‌عنوان امتیازی برای فرد، موجب ایجاد منشی مهاجم و افزون‌طلب و روحیه‌ای خشن و خواهنده شده است. در حالی که احساس تکلیف و تعهد به ادای وظیفه، اخلاقی مشفقانه و شخصیتی فروتن و متواضع را در پی دارد. وظیفه‌مندی انسان در برابر دیگران به طور اخص و نظام هستی به طور اعم باید سرچشمه‌ای از عشق و محبت انسانی داشته باشد وگرنه کتاب قانون و قوه قهریه نمی‌تواند تعهد به وظیفه ایجاد کند. هر زمان پای قانون به میان می‌آید و ضمانت اجرای قانونی ملاک تحقق وظیفه می‌شود خبر از تصنعی شدن و اجباری شدن می‌دهد که مغایر اخلاق وظیفه‌مداری است. باید عمل به وظیفه باوری درونی و قلبی شود و انسان‌ها وظیفه‌مندی خود را همچون اعتقادی عمیق پذیرا شوند.

سیمون وی قیاسی بین نیازهای انسان و وظایف وی قائل است، به زعم او نیازهای جسمانی همچون گرسنگی و تشنگی و نیازهای غیرمادی همچون نیاز به نظم، آزادی و برابری تکالیفی را برای ما به وجود می‌آورد که برای ارضا آنها انجام دهیم.

۱- سیمون وی (۱۴۰۳)، نیاز به ریشه‌ها، درآمدی بر اعلامیه وظایف بشر، ترجمه بهزاد حسین‌زاده، تهران: نشر نی.

گفته‌اند بر سر در خانقاه ساده و بی‌تکلف شیخ ابوالحسن خرقانی نوشته شده بود:

هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش میرسید

بر این سیاق وظایف آدمیان برآوردن نیازهای جسمانی و روحانی در حد توان آنهاست و هرگاه از عهده این وظایف برآمدند می‌توان راجع به حقوق بشری سخن گفت، وگرنه بحث حقوق بشر منهای وظایف وی بحثی بی‌بنیان است که راه به جایی نمی‌برد و برای تحقق آن باید متوسل به زور قانون شد. از وظیفه ما در قبال نیازهای جسمانی که بگذریم، یکی از مهمترین نیازهای غیرجسمانی را سیمون وی نیاز به نظم می‌داند. از دیدگاه او نظم بر همه نیازهای دیگر تقدم دارد و حتی جایگاهی برتر از همه نیازهای مادی دارد. آدمی موظف است برای تحقق نظم در نظام هستی تلاش کند و از هرگونه خللی که در این نظم بنیادین احتمال وقوع دارد جلوگیری نماید. زیست بوم بشر نیاز به رعایت نظم دارد و انسان‌ها زمانی حق استفاده از طبیعت و محیط زیست را دارند که مقدمتاً نظم آن را وظیفه دانسته و در ابقای آن کوشیده باشند. در اینجا است که به روشنی تقدم وظیفه بر حق نشان داده می‌شود.

البته مفهوم نظم را نباید به نظم در محیط زیست و طبیعت تقلیل دهیم، بلکه منظور از نظم با عدالت، زیبایی و تعادل در نظام هستی است و با این نگاه، همگان وظیفه دارند در حفظ این نظم یعنی غایت زیبایی و عدالت و دادگری بکوشند و آنگاه است که می‌توانند ادعای حق طلبی برای دادخواهی و عدالت و زیبایی داشته باشند.

نیاز دیگری که وظیفه و حق را می‌توان در آن به وضوح نشان داد نیاز به آزادی است. همه انسان‌ها به گونه‌های مختلف این نیاز را احساس می‌کنند و توانایی انتخاب را ضرورت زندگی خود می‌دانند. اما از آنجایی که همه ما در جامعه زندگی می‌کنیم، رعایت نفع عمومی و خیر عامه قیودی را برای آزادی فردی ایجاد می‌کند، که نشانگر وظایف ما در قبال آزادی است. ما آزادیم که بر طبق خواسته‌های خود سخن بگوییم، عمل کنیم و گزینه‌های مورد نظرمان را انتخاب کنیم، اما به شرطی که به آسایش و آرامش و آزادی دیگران آسیب نزنیم. ما وظیفه داریم میان نفع فردی و خیر جمعی آشتی و مصالحه‌ای به وجود آوریم و پس آنگاه است که می‌توانیم برای خودمان حق آزادی بیان، حق انتخاب و حق بهره‌گیری از مواهب زندگی را طلب کنیم.

وقتی امکان انتخاب به حدی گسترش یابد که احتمال آسیب رساندن به منافع عمومی در میان باشد، انسان‌های [نیک‌خواه] از آزادی صرف نظر می‌کنند، زیرا در غیر این صورت باید به بی‌مسئولیتی، کودک‌سانی و بی‌تفاوتی پناه ببرند، پناهگاهی که در آن بیش از هر چیزی ملال نصیبشان می‌شود. (سیمون وی ۱۴۰۳)

بنابراین برای اینکه از موهبت آزادی بهره‌مند شویم باید خود را مکلف به رعایت قیودی بدانیم که وظایف ما را شکل می‌دهند و آداب بهره‌گرفتن از آزادی را مشخص می‌سازند. یکی دیگر از نیازهای انسانی که ارضای آن وظایفی را بر دوش او می‌نهد و به تبع آن حقوقی را به وی



اختصاص می‌دهد نیاز به برابری است. برابری بدین معنا که همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن شایسته حرمت و احترام‌اند و تفاوت‌های ناشی از عملکرد و رتبه اجتماعی آنها، اثری بر این برابری بر جای نمی‌گذارد. بدین ترتیب نگهبان و باغبان سازمان و حسابدار و متخصصان فنی به یک اندازه شایسته قدر و منزلت هستند و جایگاه شغلی آنان بر این برابری اثری ندارد. جماعات انسانی از جهت کارکردها، متکثر و گوناگون‌اند اما از نظر انسان بودن واحد و یکسان‌اند. این نگاه موجب تعادل و آرامش در جامعه می‌گردد و جلوی رقابت‌های مخرب که ناشی از تلاش برای رسیدن به جایگاه شغلی بالا برای کسب احترام بیشتر است، سد می‌کند. نابرابری‌های ناشی از رتبه و مقام اجتماعی نباید به نظامی سلسله مراتبی منجر شود که در آن فرادستان از حرمتی بیش از فرودستان برخوردار باشند، زیرا این نظام نفرتی سرکوب شده را به همراه می‌آورد که نهایتاً به ناپایداری و اضمحلال آن منتهی می‌گردد.

وقتی جایگاه افراد گوناگون را نه فراتر یا فروتر از هم بلکه متفاوت تلقی کنیم برابری بیشتر می‌شود. مثلاً باید کار در معدن و منصب وزارت را مثل حرفه شاعر و ریاضیدان، صرفاً به عنوان دو شیوه متفاوت نگرست و یکی را بر دیگری محترم‌تر به شمار نیاورد. (همان)

دو فصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۴
دوره ششم، شماره دوازدهم



ما وظیفه داریم برای تحقق برابری، چنین تعادلی را در جامعه به وجود آوریم، که در آن همه آحاد جامعه از احترامی یکسان برخوردارند و جایگاه شغلی و موقعیت اجتماعی آنها در این برابری کاستی و فزونی ایجاد نمی‌کند.

افق‌های دور را نگرستن و به اهداف غایی اندیشیدن نابرابری‌های ناشی از جایگاه شغلی و اجتماعی را به برابری تبدیل می‌کند. سرباز و فرمانده هدف نهایی‌شان حفظ مرز و بوم است و این اشتراک هدف نهایی تفاوت ناشی از شغل و رتبه آنان را کم‌رنگ و بی‌اثر می‌کند. در یک چنین فضایی زیستن در یک جامعه کثرت‌گرا، توأم با وحدت می‌شود و روحیه جمعی شکل می‌گیرد و زندگی در کنار هم با تنوع و گوناگونی میسر می‌گردد. کوتاه سخن آنکه حق هر یک از ماست که احترام و شأنی برابر با دیگران طلب کنیم و این امر زمانی محقق می‌گردد که به تعادل پیش گفته ملتزم باشیم و آن را وظیفه خود بدانیم. برای دیگری حرمت قائل شو، پس آنگاه حق خود بدان که به تو احترام بگذارند.

رحمت کن و رحمت بین هاده چه به درویشان

بسیار بیاسایی هاده چه به درویشان

«مولانا»

رحمت کن و حرمت بین، نعمت ده و نعمت بین

هر لطف که بنمایی در سایه آن آیی

